فصلنامهٔ علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۹

# وضعیت کودکان کار و خیابان در ایران

سیدحسن حسینی*

***طرح بحث:*** *پدیدهٔ کودکان کار و خیابانی یکی از معضلات گریبانگیر اکثر شهرهای بزرگ در جهان معاصر است. گسترش پدیده به حدی است که جوامع توسعه یافته و در حال توسعه را به یک اندازه به خود مشغول کرده است.*

***روش تحقیق:*** *پژوهش حاضر پدیدهٔ کودکان کار و خیابانی را در پنج مرکز استانی تهران، مشهد، اهواز، شیراز، و رشت مورد مطالعه قرار داده است.*

***یافته‌ها:*** *یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که عواملی چون نارسایی نهادهای اجتماعی‌کننده‌ای مثل خانواده و مدرسه، فقر اقتصادی خانواده‌های کودکان خیابانی و ناتوانی آنها در انطباق با شیوه‌های زندگی شهرهای بزرگ، آلودگی و آسیب‌زا بودن محلات حاشیهٔ شهری، فقدان نظارت کافی از سوی سازمان‌های مسئول، و الگوهای نادرست کنش متقابل بین شهروندان و کودکان خیابانی، همه دست‌به‌دست هم داده‌اند تا پدیدهٔ کودکان خیابانی (که عمدتا کودکان کار در خیابان هستند)، کماکان به‌عنوان مشکلی صعب‌العبور در بسیاری از شهرهای بزرگ کشور خودنمایی کند.*

***کلیدواژه‌ها: بی‌سازمانی اجتماعی، درآمد خیابانی، رضایت از کار خیابانی، کودکان خیابانی، کودکان کار***

***تاریخ دریافت مقاله: ۸۳/۳/۱۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۸۴/۱۱/۸***

## مقدمه

پدیدهٔ کودکان خیابانی[1] یا بچه‌های خیابان[2] که از آن به عنوان «تراژدی شهری» یاد

* دکترای جامعه‌شناسی، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران، <hosseini_1332@yahoo.com>

1. Street children
2. Children of street



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31 ]

می‌شود، معضلی است که کلان شهرها و شهرهای نسبتا بزرگ جوامع معاصر اعم از پیشرفته و در حال توسعه، با آن دست به گریبان‌اند. البته زمینه‌ها و عوامل گسترش این پدیده و راه‌های مقابله با آن در جوامع مختلف متفاوت است. کشور ایران نیز در این مسیر از بروز و گسترش این پدیده و پیامدهای اجتماعی ناگوار آن مصون نمانده است. آمارهای پراکنده و برخی مطالعات مقدماتی دربارهٔ این پدیده، حاکی از روند رو به گسترش آن در شهرهای بزرگ ایران است.

دیگر شهرهای بزرگ کشور نیز از این پدیده برحذر نیستند. توسعهٔ نامتوازن و عدم هماهنگی ساختارهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در جذب و انطباق با معیارهای توسعه، باعث شکل‌گیری تحولات سریع و خلق‌الساعه در بعضی ساختارها و عقب‌ماندگی ساختارهای دیگر جامعه‌ای شده است. نتیجهٔ چنین روندی همان چیزی است که ما امروز در شهرهای کوچک و بزرگ و بیشتر از همه، در کلان شهرها شاهد آن هستیم. به عبارت دیگر، روندهای فوق موجب تجمع ثروت ملی در مراکز استانی و به‌ویژه پایتخت شده که آن هم به‌دنبال خود، سیل عظیم مهاجرین به مراکز را به‌دنبال داشته و الگوهای متنوعی از زندگی را در شهرهای ما رقم زده است.

## ۱) چارچوب نظری

از بین نظریه‌های مطرح شده دربارهٔ مسائل اجتماعی، رهیافت آسیب‌شناسی اجتماعی به دلایلی چند نمی‌تواند ریشه‌های پیدایش کودکان خیابانی را به خوبی تبیین نماید. تئوری‌ها و پیشفرض‌های این رهیافت، پدیدهٔ کودکان خیابانی را یک آسیب و بیماری اجتماعی تلقی می‌کنند و در تبیین آن به رفتارها، ویژگی‌ها و شرایط جسمانی روانی و اجتماعی کودکان و خانوادهای آنها توجه دارند. فرضیه‌هایی که کودکان خیابانی را بی‌سرپرست یا رهاشده یا دارای نقایص جسمی و روانی می‌دانند و یا آنها را بزهکار تلقی می‌کنند، به این رهیافت تعلق دارند. تحقیقات انجام شده (محمدعلی موسوی؛ هفته‌نامه بهزیستی، قادری؛ ماهنامه مددکاری اجتماعی، رسول روشن) تا حدودی عدم



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31 ]

کفایت رهیافت را آشکار کرده است. نتایج و یافته‌های پژوهش حاضر نیز بر ناکافی بودن رهیافت آسیب‌شناسی صحه می‌گذارد.

بررسی ادبیات موضوع نشان می‌دهد که کودکان خیابانی به لحاظ جسمانی و روانی علی‌رغم آن‌چه معمولا تصور می‌شود، دچار نقص، ناتوانی و یا بیماری‌های عمده نیستند. عدم انطباق و ناسازگاری آنها با هنجارهای جامعه و شکست فرایند اجتماع‌پذیری آنها ناشی از ویژگی‌ها و رفتارهای فردی آنها نیست. در این رهیافت نظری، واحد تحلیل فرد است نه جامعه؛ مشکلات و مسائل جامعه نیز نه معطوف به نظام اجتماعی کل، بلکه معطوف به افراد و گروه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد (آزاد،۱۳۷۷:۳۶).

این در حالی است که نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی شامل نظریهٔ آنومی‌مرتن (Merton, 1938)، نظریهٔ عدم تعادل ساختاری پارسونز ونیزبت (Merton et al, 1976) در بررسی مسائل و آسیب‌های اجتماعی به شرایطی توجه دارند که منجر به ازهم‌گسیختگی، ضعف و تناقض و ناکارآمدی قواعد، هنجارها و ساخت‌های اجتماعی می‌شوند و عدم تعادل ساختاری و ضعف انسجام اجتماعی را به وجود می‌آورند. این نظریه‌ها برخلاف نظریهٔ آسیب‌شناسی اجتماعی، بر واحدهای تحلیل بزرگ‌تری همچون ساختارها، خرده نظام‌ها، نهادها، گروه‌ها، اقشار و یا طبقات اجتماعی متمرکز می‌شود و نقش عوامل ساختاری را که مانع از انطباق و سازگاری گروه‌ها و اقشار اجتماعی یا خرده‌نظام‌ها و نهادهای جامعه با تغییرات اجتماعی و محیطی سریع می‌شوند و عدم تعادل ساختاری را به‌وجود می‌آورند، بررسی می‌کند.

نظریهٔ بی‌سازمانی اجتماعی نسبت به نظریهٔ آسیب‌شناسی اجتماعی، از قدرت تبیین بیشتری برای توضیح مسالهٔ کودکان خیابانی برخوردار است. بر طبق این نظریه می‌توان فرض کرد که کودکان خیابانی انعکاسی از شرایط زیست اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی اقشار تهی‌دست و آسیب‌پذیر حاشیه‌نشین است که نتوانسته‌اند در جریان مواجهه با تحولات اجتماعی حداقل دو دههٔ اخیر ایران، با شرایط موجود انطباق یابند. جامعهٔ ایران طی بیست ساله اخیر تحولات سریعی مثل جنگ هشت ساله، برنامه‌های اقتصادی تعدیل



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31 ]

ساختاری، سیاست‌های اقتصادی - اجتماعی پس از جنگ و امثال آن را تجربه کرده است. هر یک از تغییرات و تحولات در زندگی اقشار و طبقات مختلف جامعه به‌گونه‌ای متفاوت بازتاب یافته و پیامدهای گوناگونی در پی داشته است. از پیامدهای آن، رشد و ترقی برخی اقشار جامعه و سقوط و به حاشیه رانده شدن برخی دیگر بوده است. می‌توان فرض کرد که به خیابان آمدن کودکان ناشی از الگوی انطباق و سازگاری خانواده‌های محروم و به حاشیه رانده شده از فرایند ثروت، قدرت و منزلت در یک نظم اجتماعی نابرابر می‌باشد. رهیافت کنش متقابل نمادی در تبیین پدیدهٔ کودکان خیابانی در ایران می‌تواند تاحدودی راهگشا باشد. این رهیافت و نظریات متاثر از آن برای فهم چگونگی شکل‌گیری تصاویر خاص دربارهٔ کودکان خیابانی و علل و انگیزهٔ شکل‌گیری این تصاویر و منافع و علایق پشت این تصاویر مفید هستند. فرضی که از این رهیافت بر می‌آید این است که کودکان خیابانی و خانواده‌های آنها از کار خود در خیابان چه برداشتی دارند و چه منافع و علایقی حضور آنها در خیابان را استمرار می‌بخشد.

## ۲) تعریف

مفهوم «کودکان خیابانی»، مفهومی خالی از معانی و دلالت‌های اخلاقی و عاطفی متفاوت نیست، بلکه مفهومی‌عام است که می‌توان آن را بر مصادیق و گروهای مختلفی از کودکان حمل کرد با این حال به نظر می‌رسد که یک برداشت خوب و واقع‌بینانه از این مفهوم، برداشتی است که چهار ملاک و معیار زیر را در نظر داشته باشد:

- انگیزه و چگونگی حضور کودکان در خیابان؛
- وضعیت و کنش‌های کودکان در خیابان؛
- مدت زمان حضور کودکان در خیابان و طول مدت زندگی خیابانی؛
- شیوه‌های سرپرستی، مراقبت و نظارت بر کودکان و میزان تماس و چگونگی پیوند کودکان با خانواده و نهادهای اجتماعی ـ حمایتی مرسوم.

با توجه به معیارهای فوق، در یک جمع‌بندی نهایی می‌توان تعریف زیر را دربارهٔ

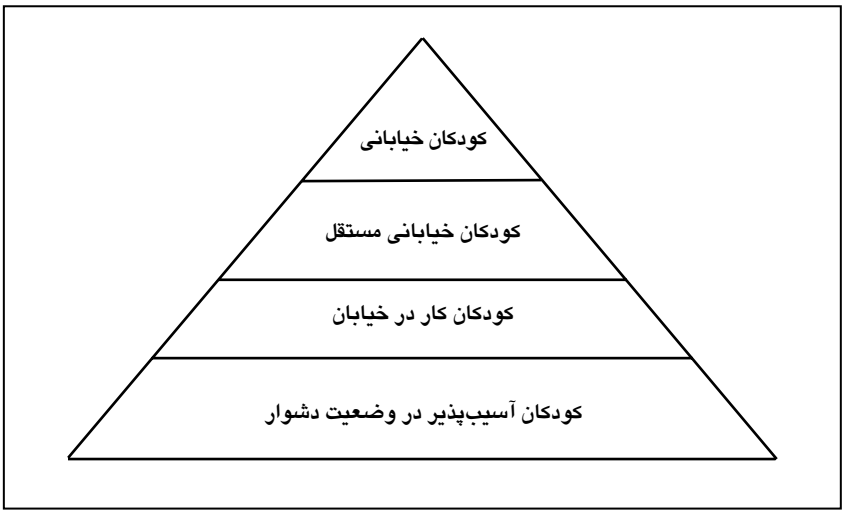


[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31 ]

کودکان خیابانی مطرح نمود:

«کودکان خیابانی» بخشی از گروه بزرگ‌تر «کودکان در وضعیت دشوار» یا «کودکان آسیب‌پذیر شهری» هستند که ساعات طولانی از شبانه‌روز و گاه تمام آن را به صورت موقت (ناپایدار) و یا دائمی (مستمر) و برای مدتی نامعلوم خارج از نهادهای اجتماعی ـ حمایتی معمول مانند خانواده و مدرسه و به قصد و انگیزه کار و یا دوری از خانواده، در خیابان به سر می‌برند. این کودکان درمقایسه با دیگر همالان خود تماس کمتری با نهادهای فوق‌الذکر دارند، و یا در مراکز ویژه‌ای غیر از این نهادها نگهداری می‌شوند که در صورت فقدان آن مراکز ویژه در معرض رها شدن و روی آوردن به کار و زندگی خیابانی و عوارض منفی و خطرات ناشی از آن ـ از قبیل خشونت بهره‌کشی، بزه‌دیدگی، بزهکاری و انحرافات اجتماعی ـ قرار می‌گیرند. گروه‌های مختلف کودکان خیابانی را بر حسب دایرهٔ شمول آنها می‌توان در شکل شمارهٔ ۱ زیر نشان داد.

**شکل ۱: گروه‌های مختلف کودکان خیابانی**






[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31 ]

## ۳) روش

### ۳-۱) روش تحقیق

تحقیقِ مرجع مقالهٔ حاضر از نوع تحقیقات توصیفی ـ تحلیلی و نتایج آن کاربردی می‌باشد. شیوهٔ به کار بسته شده پیمایش و فن اصلی جمع‌آوری اطلاعات، پرسش‌نامه بوده است.

### ۳-۲) جامعهٔ آماری و روش نمونه‌گیری

به‌دلیل فقدان اطلاعات دقیق دربارهٔ اندازهٔ جامعه آماری و در دسترس نبودن چارچوب نمونه‌گیری، از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای که معمول چنین مطالعاتی است، استفاده شده است. در این تحقیق با ۵۰۶ نفر از کودکان خیابانی در ۵ مرکز استان بزرگ کشور (تهران۲۰۰، مشهد۹۷، شیراز۷۰، اهواز ۹۸ و رشت۴۱ نفر) مصاحبه به عمل آمده است.

### ۳-۳) روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

در تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم‌افزار آماری SPSS و آماره‌های توصیفی و استنباطی نظیر میانگین، انحراف معیار، تحلیل واریانس یک طرفه، ضرایب همبستگی، آزمون T، تحلیل رگرسیون، آزمون خی‌دو ($\chi 2$)، ضریب فی (Phi) و V کرامر استفاده شده است. همچنین از جداول توزیع فراوانی، جداول دوبعدی، نمودارها، و سایر نشانگرهای آماری نیز به فراخور استفاده شده است.

### ۳-۴) متغیرها

متغیرهای مستقل تحقیق شامل مشخصات فردی و خانوادگی پاسخ‌گویان، وضعیت تحصیلی و خانوادگی و مهاجرت و شغلی ایشان و متغیرهای وابسته شامل متغیرهای روانی پرخاشگری، افسردگی، بدبینی، اضطراب و رضایت از کار کودکان خیابانی بوده‌اند.



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31 ]

## ۴) یافته‌ها

میانگین سن کودکان خیابانی مورد مطالعه ۱۳/۱۳ سال بود که نشان می‌دهد بیشتر پاسخ‌گویان ما را نوجوانان تشکیل می‌دهند. از نظر جنس نیز اکثریت قریب به اتفاق جمعیت نمونه (۹۵/۲ درصد) کودکان پسر بوده‌اند. از نظر سطح سواد، حدود نیمی از کودکان مورد مطالعه (۵۱/۸ درصد) در حد ابتدایی، ۲۱/۸ درصد در حد دورهٔ راهنمایی، و ۵/۶ درصد نیز در حد دورهٔ متوسطه تحصیل کرده‌اند. تعداد بی‌سوادان در بین کودکان خیابانی درحدود ۲۰/۸ درصد می‌باشد. از نظر وضعیت مهاجرت، ۸۷/۵ درصد پاسخ‌گویان به اتفاق خانواده، ۸/۸ درصد به تنهایی، ۲/۴ درصد به همراه اقوام، و ۱/۳ درصد به همراهی دوستان خود به شهرهای مورد مطالعه مهاجرت نموده‌اند. بیشتر این مهاجرت‌ها در طی پنج شش سال اخیر صورت گرفته است. میانگین مدت مهاجرت ۶/۳۵ سال می‌باشد.

همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که اتباع کشورهای خارجی به خصوص افاغنه سهمی عمده در میان کودکان کار و خیابانی دارند. طبق یافته‌ها بیش از ۵۵ درصد از کودکان خیابانی کشور را افاغنه تشکیل می‌دهند. میزان افاغنه در میان کودکان کار و خیابانی در شهر شیراز بیشتر از سایر شهرهای مورد مطالعه است. شهر تهران از این لحاظ در رتبه دوم قرار دارد.

برخلاف تصورات موجود که کودکان خیابانی را افرادی بی‌سرپرست، فراری، بی‌سرپناه، و از این قبیل می‌دانند، داده‌های به‌دست آمده نشان می‌دهد اکثر قریب به اتفاق این کودکان دارای پشتوانه‌های خانوادگی هستند که با اطلاع خانواده خود و به توصیهٔ آنها و یا به صورت مستقل از خانواده به کار و زندگی در خیابان روی می‌آورند و شب‌ها به خانه و کاشانه خود باز می‌گردند.

نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که در ۸۹ درصد موارد پدر کودکان و در ۹۶/۶ درصد موارد مادر کودکان مورد مطالعه در قید حیات بوده اند. در ۸۶/۴ درصد موارد نیز، هم پدر و هم مادر پاسخ‌گویان در قید حیات بوده و بر خانواده‌های خود سرپرستی داشته‌اند.

۷۴/۸ درصد از کودکان مورد مطالعه شب‌ها را در خانه خوابیده و روزها به تنهایی به



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31 ]

کار در خیابان می‌پردازند. ۱۵/۲ درصد نیز شب‌ها را در خانه خوابیده و روزها به همراه والدین خود کار می‌کنند. به عبارت دیگر ۹۰ درصد پاسخ‌گویان، دارای خانواده و سرپناهی برای سکونت می‌باشند. بنابراین در کشور ما آن‌چه که در تعاریف آژانس‌های بین‌المللی از آن به کودکان «خیابان» یاد می‌شود (Siglo, Garsia, 1995) وجود ندارد؛ بلکه آن‌چه ما با آن روبرو هستیم پدیدهٔ کودکان «خیابانی» است، کودکانی که دارای خانه و خانواده هستند ولی بیشتر وقت خود را به کار و یا پرسه‌زنی در خیابان‌های شهر می‌پردازند. برخی از این کودکان که تحت‌تأثیر فشارهای طاقت‌فرسای اقتصادی هستند، به میل و رغبت خود و برای کمک به خانواده، و برخی نیز تحت‌تاثیر اجبار و الزام‌های والدین و بزرگ‌ترها به کار کردن در خیابان روی آورند.

یافته‌ها نشان می‌دهد که بیش از ۶۰ درصد پاسخ‌گویان از کار خود در خیابان راضی هستند. در ۴۷ درصد موارد علت این رضایت تامین شدن خرج زندگی از طریق کار در خیابان، و در ۴۱/۸ درصد موارد، متنوع بودن و درآمد نسبتاً خوب کارهای خیابانی عنوان شده است. ۸۸/۲ درصد کودکان خیابانی روزانه به‌طور متوسط تا ۵ هزار تومان درآمد دارند. به عبارت دیگر در بیش از نیمی از موارد، درآمدزا بودن شغل خیابانی عاملی است که حضور کودکان در خیابان و ادامهٔ کار و زندگی خیابانی را استمرار می‌بخشد؛ با این حال جاذبه‌های کارهای خیابانی به میزان درآمد ختم نمی‌شود، زیرا ۳۱/۲ درصد پاسخ‌گویان در صورت تامین مخارج تحصیل و زندگی‌شان باز هم به کار کردن در خیابان تمایل نشان می‌دهند.

نتایج به‌دست آمده دربارهٔ وضعیت تحصیلی کودکان مورد مطالعه نشان می‌دهد که ۵۸/۲ درصد آنها در سال‌های اولیهٔ تحصیل از رفتن به مدرسه محروم شده‌اند. کودک در این دوران به‌دلیل پایین بودن سن و وابستگی به والدین، توان مقاومت در مقابل خواست‌های خانواده را نداشته و با محرومیت از تحصیل برای حضور در خیابان و اشتغال در مشاغل کاذب داوطلب می‌شود. از طرف دیگر خانواده‌های کودکان خیابانی، خانواده‌هایی پرجمعیت (با میانگین ۷ نفر و انحراف استاندارد ۲/۷) هستند و همین عامل



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31 ]

هزینه‌های مربوط به تحصیل کودکان را که مسبب اصلی ترک‌تحصیل آنهاست، به حداکثر می‌رساند. با این حال بعضی از کودکان، کار و تحصیل را به هم پیوند زده‌اند و به لطایف‌الحیل هر دو هدف را دنبال می‌کنند.

## ۵) نتیجه

یافته‌های ما نشان می‌دهد به موازات افزایش میزان درآمد سرپرست خانوار بر تعداد کودکان مدرسه رو افزوده شده بالعکس از تعداد کودکان ترک‌تحصیل‌کرده کاسته شده است. در نگاه اول این تغییرات چندان محسوس نمی‌باشد. با این حال آزمون کای اسکوئر به عمل آمده نشان می‌دهد که رابطهٔ موجود بین این دو متغیر با خطای کمتر ۰/۰۱ معنی‌دار بوده و شدت آن در حدود ۰/۲۱(درحد ضعیف) می‌باشد. به عبارت دیگر بالا بودن درآمد پدر، الزاما تعیین‌کنندهٔ به مدرسه رفتن کودک نبوده بلکه بر آن تاثیر دارد. از لحاظ آماری فرض صفر مبنی بر فقدان رابطهٔ بین این دو متغیر رد شد.

بخشی از فرض‌های تبیینی ما به متغیرهایی اشاره داشت که بر فرار کودک از خانه، به عنوان یکی از تعیین‌کننده‌ترین عوامل حضور کودکان در خیابان اثر گذاشته یا با آن رابطه دارند. فراری شدن کودک از آغوش خانواده دو پیامد بسیار مهم برای کودک به‌دنبال دارد: اولی، دوری از آغوش خانواده که به عنوان حصاری او را از تهدیدهای احتمالی برحذر می‌دارد. و دومی گشودن چشم کودک به دنیای ناشناخته کوچه و خیابان که می‌تواند آبستن حوادثی چون افتادن در دام سودجویان، عضویت در گروه‌های بزهکار، کشیده شدن به راه‌های خلاف در جهت برآوردن نیازهای حیاتی اولیه، و بسیاری حوادث و خطرات دیگر برای او باشد. جدول شمارهٔ ۱ متغیرهای مرتبط با فرار کودکان از خانه و متغیرهای واسط دیگر را نشان می‌دهد. اندازه‌گیری این متغیرها در سطح اسمی بوده و برای آزمون شدت رابطهٔ آنها از ضریب فی[1] استفاده شده است.

1. Phi



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31 ]

**جدول ۱: رابطهٔ عوامل خانوادگی و غیرخانوادگی با فرار کودکان از خانه و سیر آنان به‌سوی محیط خیابان**

| متغیرهای بررسی شده / آزمون‌های آماری | کای اسکوئر | سطح معنی‌داری | شدت رابطه(Phi) | سطح معنی‌داری |
|---|---|---|---|---|
| تفاوت قائل شدن بین فرزندان / دشمنی و دلخوری بین کودک و مادر | ۳۵/۲۷۶ | ۰/۰۰۰ | ۰/۲۷۰ | ۰/۰۰۰ |
| دشمنی و دلخوری بین کودک و پدر / فرار کودک از خانه | ۷۹/۷۱۳ | ۰/۰۰۰ | ۰/۴۱۵ | ۰/۰۰۰ |
| دشمنی و دلخوری بین کودک و مادر/ فرار کودک از خانه | ۵۵/۰۲۷ | ۰/۰۰۰ | ۰/۳۳۹ | ۰/۰۰۰ |
| تنبیه بدنی در منزل / فرار کودک از خانه | ۲۱/۰۳۵ | ۰/۰۰۰ | ۰/۲۰۷ | ۰/۰۰۰ |
| تنبیه بدنی در مدرسه / فرار کودک از خانه | ۹/۲۸۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۱۵۷ | ۰/۰۰۲ |
| تنبیه بدنی در منزل/ تنبیه بدنی در مدرسه | ۴۲/۱۶۴ | ۰/۰۰۰ | ۰/۳۳۱ | ۰/۰۰۰ |
| رفتار والدین با یکدیگر / فرار کودک از خانه | ۱۰۵/۰۸۶ | ۰/۰۰۰ | ۰/۴۷۴ | ۰/۰۰۰ |
| رفتار والدین با یکدیگر/ دشمنی و دلخوری بین کودک و پدر | ۸۳/۷۲ | ۰/۰۰۰ | ۰/۴۲۶ | ۰/۰۰۰ |
| تفاوت قائل شدن بین فرزندان / دشمنی و دلخوری بین کودک و پدر | ۴۱/۱۰۴ | ۰/۰۰۰ | ۰/۲۹۷ | ۰/۰۰۰ |
| رفتار والدین با یکدیگر/ دشمنی و دلخوری بین کودک و مادر | ۵۶/۶۴ | ۰/۰۰۰ | ۰/۳۴۶ | ۰/۰۰۰ |

به نظر می‌رسید که کسب درآمد بالا در کار خیابانی با رضایت کودکان از کارشان رابطه‌ای معنادار دارد. میزان درآمد از اصلی‌ترین مولفه‌های تاثیرگذار بر رضایت شغلی است و به نظر می‌رسید که چنین رابطه‌ای در مشاغل خیابانی نیز صدق نماید.



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31 ]

**جدول ۲: فرضیات تبیینی جهت‌دار و مقادیر آزمون‌های تحلیل واریانس مربوط به آنها**

| فرضیه | آزمون F | سطح معنی‌داری | آزمون Welch | سطح معنی‌داری |
|---|---|---|---|---|
| در مراکز استانی بزرگ‌تر میزان درآمد کودکان خیابانی بیشتر از مراکز استانی کوچک است | ۱/۷۳۴ | ۰/۱۴۱ | | |
| میزان اضطراب کودکان خیابانی در شهرهای بزرگ‌تر بیشتر است | | | ۳/۲۰۲ | ۰/۰۱۵ |
| ساعات کار کودکان خیابانی در مراکز استانی بزرگتر بیشتر است. | | | ۲/۴۵۵ | ۰/۰۴۸ |
| بعد خانوار کودکان خیابانی در استان‌های مختلف متفاوت است. | | | ۶/۳۷۱ | ۰/۰۰۰ |
| آن دسته از کودکان خیابانی که به همراه خانوادهٔ خود و در حمایت آنان به کار در خیابان می‌پردازند، اضطراب کمتری دارند. | ۱/۵۸۳ | ۰/۰۱۵ | | |

**جدول ۳: فرضیات تبیینی جهت‌دار و مقادیر آزمون‌های همبستگی مربوط به آنها**

| فرضیه | R پیرسون | سطح معنی‌داری |
|---|---|---|
| بعد خانوار با ترک تحصیل کودکان خیابانی رابطه مستقیم دارد. | Eta=۰/۱۳ | ۰/۰۰۲ |
| ساعات کار کودکان بر میزان درآمد آنها اثر مستقیم و مثبت دارد. | ۰/۱۰۷ | ۰/۰۱۹ |
| به نظر می‌رسد هر چه سن کودکان خیابانی افزایش می‌یابد ساعات کار آنها در خیابان نیز بیشتر می‌شود. | ۰/۱۴۰ | ۰/۰۰۲ |
| بین مدت فعالیت کودکان در خیابان و میزان پرخاشگری آنان همبستگی معناداری وجود دارد. | ۰/۰۸۳ | ۰/۰۶۹ |
| میزان تحصیلات کودکان بر پرخاشگری آنان در خیابان اثر معکوس دارد. | ۰/۰۹۲ | ۰/۰۲۱ |



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31 ]

در رابطهٔ با فرضیهٔ اول جدول شمارهٔ ۳ مقدار F به‌دست آمده (۱/۷۳۴=)، در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ معنی‌دار نبوده و مشخص می‌کند که میزان درآمد کودکان خیابانی در مراکز استانی مختلف تقریبا نزدیک به هم است. به عبارت دیگر از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ تفاوت معنی‌داری در میزان درآمدهای خیابانی وجود ندارد و تفاوت‌های موجود ناشی از شانس و تصادف است. پس می‌توان گفت که کودکان خیابانی تهران با توجه به هزینه‌های بالای زندگی در این شهر، زندگی دشوارتری را تجربه می‌کنند.

در رابطه با فرضیهٔ مطرح شده دربارهٔ اضطراب کودکان خیابانی و بیشتر بودن آن در مراکز استانی بزرگ‌تر، مقادیر آزمون ولچ (۳/۲۰۲=) و سطح معنی‌داری آن (۰/۰۱۵=) نشان می‌دهد که کودکان خیابانی در شهرهای مختلف مورد مطالعه سطوح متفاوتی از اضطراب را تجربه می‌کنند و این تفاوت از نظر آماری معنی‌دار است. میانگین اضطراب کودکان در استان گیلان کمتر از همه و در استان خراسان بیشتر از استان‌های دیگر است.

همچنین فرض دیگر ما دربارهٔ اضطراب دلالت بر این داشت که اگر افراد با افرادی از خانواده و یا خویشاوندان خود به کار بپردازند، از میزان اضطراب کمتری برخوردار خواهند بود. با این وجود مقدار آزمون F به‌دست آمده (۱/۵۸۳=) در سطح معنی‌داری (۰/۰۵) معنی‌دار نمی‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که کار به تنهایی یا در کنار اعضای خانواده و یا اقوام تفاوتی در میزان اضطراب کودکان حاصل نمی‌کند.

دربارهٔ ترک‌تحصیل کودکان و اثر تعداد اعضای خانوار بر آن، داده‌های به‌دست آمده نشان می‌دهد ۷۹/۲ درصد کودکان خانوارهای ۳-۱ نفره ترک‌تحصیل نموده‌اند. با افزایش تعداد اعضای خانوار به ۶-۴ نفر، میزان ترک‌تحصیل‌کردگان به ۵۲/۶ درصد کاهش می‌یابد. اما مجددا با افزایش جمعیت خانوار به ۹-۷ نفر و ۱۰ نفر و بالاتر، میزان کودکان ترک‌تحصیل‌کرده نیز به ترتیب به ۵۶/۹ و ۶۴/۰ درصد افزایش پیدا می‌کند. خانواده‌هایی که بعد خانوار در آنها کوچک است احتمالاً خانواده‌هایی هستند که یکی از والدین و یا هر دوی آنها در قید حیات نیستند. مقدار ضریب Eta به‌دست آمده (۰/۱۳=) (با فرض وابسته بودن متغیر ترک‌تحصیل) حکایت از وجود رابطه‌ای مثبت اما ضعیف بین دو متغیر دارد.



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31 ]

بنابراین نتیجه می‌گیریم که هرچه تعداد اعضای خانوار افزایش یابد میزان ترک‌تحصیل کودکان آن خانوار نیز افزایش می‌یابد.

از ظاهر امر چنین بر می‌آید که هر چه کودکان خیابانی ساعات بیشتری را در خیابان کار کنند به همان میزان درآمد بیشتری کسب کرده و انگیزهٔ آنان برای حضور در خیابان بیشتر خواهد شد. برای آزمون فرضیهٔ فوق از ضریب همبستگی پیرسون (r) استفاده کردیم. مقدار (r) پیرسون بین متغیرهای فوق ۰/۱۰۷ می‌باشد که در سطح معنی‌داری ۰/۰۱۹ که کمتر از معیار ۰/۰۵ است، قابل‌قبول و معنی‌دار است. با این حال رابطهٔ موجود بین دو متغیر بسیار ضعیف می‌باشد. احتمالا عوامل دیگری چون مکان کسب خیابانی، و نوع شغل بیشتر از ساعات کار در تعیین درآمد نقش دارند. به‌دلیل تنوع بسیار زیاد مشاغل خیابانی هیچ‌گونه مقوله‌بندی علمی قابل قبولی در این باره نمی‌توان انجام داد.

در ارتباط با ساعات کار روزانه کودکان، تفاوتی معنی‌دار در استان‌های مختلف مشاهده می‌شود. مقدار آزمون ولچ (Welch=۲/۴۵۵) در سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ معنی‌دار می‌باشد. به عبارت دیگر این آزمون نشان می‌دهد که تفاوت میانگین ساعات کار دست‌کم در بین دو شهر از شهرهای مورد مطالعه، تفاوتی معنادار است. برای اینکه بدانیم این تفاوت معنادار بین کدام دو گروه از شهرها بوده است، از آزمون مقایسه‌ای c دانت[1] کمک گرفته‌ایم. جدول مقایسه‌ای نشان می‌دهد که میانگین‌های مذکور در دو استان خراسان (مشهد) و فارس (شیراز) تفاوت معناداری با هم دارند تفاوت میانگین‌ها در سایر استان‌ها معنادار نمی‌باشد.

فرض دیگر ما به روحیهٔ پرخاشگری کودکان خیابانی اختصاص داشت. روحیهٔ مبارزه جویی و پرخاشگری ابزاری است که بسیاری از کودکان با توسل به آن می‌توانند، با خشونت خیابان مبارزه کرده و خود را از بعضی خطرات برهانند. تصور ما بر این بود که هر چه سابقهٔ فعالیت کودکان در خیابان بیشتر شود، به همان میزان روحیهٔ پرخاشگری و دعواطلبی نیز در آنها افزایش می‌یابد. مقدار r پیرسون به‌دست آمده (r=۰/۰۸۳) نشان

1. Dunnet's C



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31 ]

می‌دهد که علی‌رغم تصور ما همبستگی موجود بین سابقه فعالیت خیابانی و پرخاشگری بسیار ضعیف و در حد صفر می‌باشد.

در رابطهٔ با پرخاشگری کودکان خیابانی فرض دیگری نیز مطرح شده بود که بر اثر معکوس سطح تحصیلات بر میزان پرخاشگری تاکید می‌نمود. معمولا چنین انتظار می‌رود که با بالا رفتن تحصیلات در میان کودکان، میزان رفتار معقولانه افزایش یافته و افراد کنترل بیشتری بر عواطف و هیجانات خود داشته باشند، و از روی عقل و منطق رفتار نمایند، و به عبارتی رفتار خشونت‌آمیز خود را به حداقل برسانند. با همه این اوصاف، نتیجهٔ به‌دست آمده از آزمون همبستگی پیرسون(r) (r=۰/۰۹۲) نشان داد که نه تنها رابطهٔ بین دو متغیر معکوس نیست، بلکه این رابطه تا حدودی مثبت نیز می‌باشد و در سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ معنی‌دار است. می‌توان چنین نتیجه گرفت که با پا گذاردن به محیط پرآشوب خیابان، اثر متغیر تحصیلات به کلی از بین رفته است و کودکان خیابانی رفتار و کردار خود را نسبت به مولفه‌های دیگری تنظیم می‌کنند. یکی از دلایل این وضعیت شاید این باشد که کودکان با تحصیلات بالا ناکامی‌های بیشتری احساس کرده و در نتیجه پرخاشگری بیشتری به خرج می‌دهند.

فرض دیگر ما بر متفاوت بودن بعد خانوار کودکان خیابانی در استان‌های مختلف بود. مقدار آزمون ولچ به‌دست آمده در این باره (Welch=۶/۳۷۱) در سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۱ و اطمینان بیش از ۹۹ درصد معنی‌دار می‌باشد. بعد خانوار در استان‌های فارس و خوزستان بیش از سایر استان‌ها و در استان خراسان کمتر از سایرین است.

آخرین فرض ما در این پژوهش دلالت بر اثرگذاری متغیرهای اضطراب و بدبینی نسبت به آینده بر میزان افسردگی در بین کودکان داشت. برای بررسی فرضیه فوق از تحلیل رگرسیون سود جسته‌ایم. نتایج به‌دست آمده از جدول ضرایب نشان می‌دهد که مقدار بتای به‌دست آمده برای متغیرهای اضطراب (Beta=۰/۶۲۰) و بدبینی نسبت به آینده (Beta=۰/۱۸۹) در سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۱ معنی‌دار می‌باشند. در اینجا می‌گوییم که متغیر اضطراب ۰/۶۲ و متغیر بدبینی نسبت به آینده ۰/۱۸۶ از واریانس متغیر وابسته

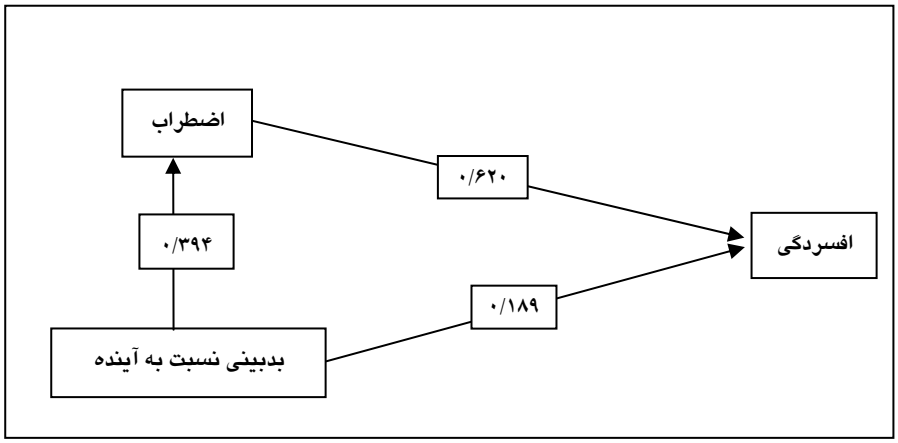


[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31 ]

(افسردگی) را تبیین می‌کنند. علاوه بر این ضریب همبستگی موجود بین بدبینی نسبت به آینده و اضطراب نیز در سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۱ معنی‌دار می‌باشد. معادلهٔ رگرسیون چند متغیره فوق به شکل زیر حاصل شده است:

(اضطراب)(۰/۶۲)+ (بدبینی نسبت به آینده)(۰/۱۸۹)+۰/۳۳۷= افسردگی

**شکل ۲: تحلیل مسیر اثرگذاری اضطراب و بدبینی نسبت به آینده بر افسردگی**




## ۶) جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نهادهای اجتماعی‌کننده در بروز و شیوع پدیدهٔ کودکان خیابانی از قوی‌ترین تاثیر برخوردارند. ناسازگاری و عدم تطابق خانواده با ساختارها و شیوه‌های زندگی جدید شهری و گرفتار شدن در دام زرق و برق شهرها از یک طرف، و فقدان الگوهای تربیتی سالم، ناتوانی اقتصادی سرپرست خانواده، و زندگی در محله‌های آسیب‌زا از طرف دیگر عواملی هستند که دست به‌دست هم داده و آثار اجتماعی شدن و هنجارپذیری را در وجود کودک و نوجوان خیابانی به حداقل می‌رسانند. علاوه بر کاستی‌های موجود در عملکرد نهادهای فوق‌الذکر، مهاجرت روزافزون به شهرهای بزرگ و به‌ویژه پایتخت بر گستردگی



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31 ]

موضوع دامن زده است. این مهاجرت‌ها از شهرهای کوچک با جاذبه‌های اقتصادی پایین، مناطق بد آب و هوای شهری و روستایی و امثال آن ناشی می‌شود. در این میان مهاجرین و اتباع کشورهای همسایه نظیر افغانستان، پاکستان و عراق نقش عمده‌ای بازی می‌کنند. همان‌طور که گفته شد در استان‌هایی مثل تهران و فارس در حدود یک سوم کودکان کار و خیابانی را مهاجرین افغانی تشکیل می‌دهند.

بدین ترتیب نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است که پدیدهٔ کودکان کار و خیابانی در هر سه سطح کلان، میانه و خرد قابل بررسی است. در هر یک از این سطوح مولفه‌های قابل‌توجهی وجود دارد که در بروز و شیوع پدیده فوق موثر بوده و نقش‌آفرینی می‌کنند. سطح کلان بر روابط بین ساختارهای کلان اجتماعی مثل ساختار اقتصادی و فرهنگی، سطح خرد بر ارتباطات و کنش‌های موجود میان نهادهای اجتماعی‌کننده و شیوه‌های تاثیرگذاری آنها بر یکدیگر و سطح خرد بر کنش‌های متقابل افراد با یکدیگر در محیط کوچه و خیابان و نوع رابطه با نهادهای پیرامون خود تاکید دارد. محققین اجتماعی در مطالعات خود، می‌بایست از ابعاد مختلف پدیده غافل نشده و همهٔ جوانب آن را در نظر بگیرند. علاوه بر این در طراحی راهکارهای حل مسئله نیز توجه به ابعاد سه‌گانهٔ فوق به همان میزان قابل‌توجه است؛ چه، اثرگذاری سطوح بالاتر مثل ساختارها و نهادها سرمایه‌گذاری در سطوح پایین‌تر را خنثی نموده و انرژی جامعه را به هدر می‌دهد.

## ۷) پیشنهادات

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که برنامه‌ریزی برای شناسایی، پیشگیری و کاهش پدیده کودکان کار و خیابانی و آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن می‌بایست بر اساس محورهای زیر صورت گیرد.

### ۱-۷) سطح کلان

- سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و فرهنگی در شهرهای کوچک و متوسط به‌عنوان محورهای



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31 ]

توسعهٔ منطقه‌ای که مانع از سیل مهاجرت به مراکز استان‌ها و پایتخت شده و مسیر مهاجرت را به شدت کوتاه می‌کند؛

– طراحی نظام‌های جامع حمایتی برای تحت پوشش قرار دادن خانواده‌های محروم شهری و تامین اجتماعی و رفاهی این خانواده‌ها؛

– اعمال نظارت‌های بیشتر بر نواحی حاشیه شهری از طرف نهادهای انتظامی و تامین امنیت و سلامت اجتماعی محله‌های آسیب‌زا؛

– فرهنگ‌سازی در زمینهٔ شیوه‌های برخورد مردم با کودکان کار خیابانی؛

– ایجاد اشتغال برای حداقل یکی از اعضای خانواده‌های فقیر برای پیشگیری از احتیاج خانواده به درآمد کودک؛

– همکاری سازمان ثبت‌احوال برای ارائهٔ شناسنامه و هویت‌دهی به کودکان، که بنا به دلایل مختلف دارای شناسنامه نبوده‌اند.

**۲-۷) سطح میانه**

– تاسیس مراکز مشاوره و راهنمایی و مراکز بهداشت خانواده برای تحت پوشش قرار دادن هر چه بیشتر خانواده‌های نیازمند حاشیه‌نشین؛

– کمک به برقراری روابط نزدیک‌تر بین خانه و مدرسه به عنوان دو نهاد عهده‌دار تربیت کودکان، در نواحی حاشیه‌ای شهرهای و محله‌های فقیرنشین؛

– اعمال دقت نظر کافی در گزینش و گمارش معلمان مدارس فقیرنشین و آسیب‌زای شهری، به طوری که باتجربه‌ترین و باسوادترین معلمان به این مناطق اعزام شوند؛

– هدایت کار کودکان به کانال‌های قانون‌مند شغلی و سروسامان دادن به مشاغل کوچک زود بازده برای کودکان؛

– شناسایی محله‌های ناسالم و جمع‌آوری اطلاعات دقیق آنها از طریق برنامه‌های کوتاه‌مدت دوره‌ای.



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31 ]

### ۳-۷) سطح خرد

– برای از میان بردن نگرش منفی‌ای که نسبت به کودکان کار خیابانی وجود دارد باید آنها را وارد اجتماع کرد. در این زمینه حتی در کشورهایی از ایجاد مدارسی استفاده شده است که کودکان غنی و کودکان خیابانی در کنار یکدیگر به تحصیل بپردازند؛

– مشارکت دادن بچه‌ها در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خود و آموزش مهارت‌های زندگی و نیز فعالیت‌های مدنی چون پس‌انداز کردن و امور بانکی و پست کردن نامه و... در جهت سوق دادن این کودکان به شهروندانی مسئول و مدنی (در برخی کشورها حتی بانک‌ها و رستوران‌هایی با مدیریت خود این کودکان تشکیل شده است، تا هم این کودکان از سوی مردم در فعالیت‌های اجتماعی به رسمیت شناخت شوند و هم باعث جلب اعتماد کودکان خیابانی دیگر گردد و هم این کودکان وارد فعالیت‌های اجتماعی و مدنی گردند)؛

– رشد برنامه‌های کنترل اجتماعی و نیز آموزش‌های منجر به رشد کنترل درونی برای این کودکان؛

– درگیرکردن جوانان و نوجوانان خصوصاً طبقات بالای اجتماع در امر حمایت از کودکان خیابانی و کودکان کار.



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31 ]

## منابع

## References


۱. آزاد ارمکی، تقی. بهار، مهری. (۱۳۷۷)، **بررسی مسائل اجتماعی**، تهران، مؤسسه نشرجهاد.

۲. توسلی، غلامعباس. (۱۳۷۹)، **نظریه‌های جامعه‌شناسی**، تهران، انتشارات سمت.

۳. ریتزر، جورج. (۱۳۷۴)، **نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر**، (محسن ثلاثی)، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

۴. کوزر، لیوئیس. (۱۳۷۷)، **زندگی و اندیشه بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی**، (محسن ثلاثی)، تهران، انتشارات علمی.

۵. گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۳)، **جامعه‌شناسی**، (منوچهر صبوری)، تهران، نشر نی.

۶. معیدفر، سعید. (۱۳۷۹)، **جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی معاصر در ایران**، تهران، سرزمین ما.

7. Linda, A. (1999), **Understanding Social Problem**, wadsworth, united states of America.

8. Merton, R. K. (1938), **Social Structure and Anomie**, ASR, 3, 672-685.

9. Merton, R. K. Nisbet, R. (1976), **Contemporary Social Problems**, New York, Harcourt Brace Jovanovich.

10. Siglo & Garsia. (1995), **Working with Street and Working Children**, UNESCO, 1995.




[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31 ]

[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31 ]